

ایران

صاحب امتیاز:
فره‌گزاری جمهوری اسلامی

آدان ظهر ۱۲/۱۸ | آدان مغرب ۱۸/۰۹ | نیمه شب شرعی ۲۳/۳۶ | آدان صبح فردا ۵/۲۱ | طلوع آفتاب فردا ۶/۴۵

امام علی (ع):

ایمان هیچ بنده‌ای راستین نمی‌شود مگر زمانی که اعتمادش به آنچه نزد خداست از اعتمادش به آنچه در دست خود دارد، بیشتر باشد.

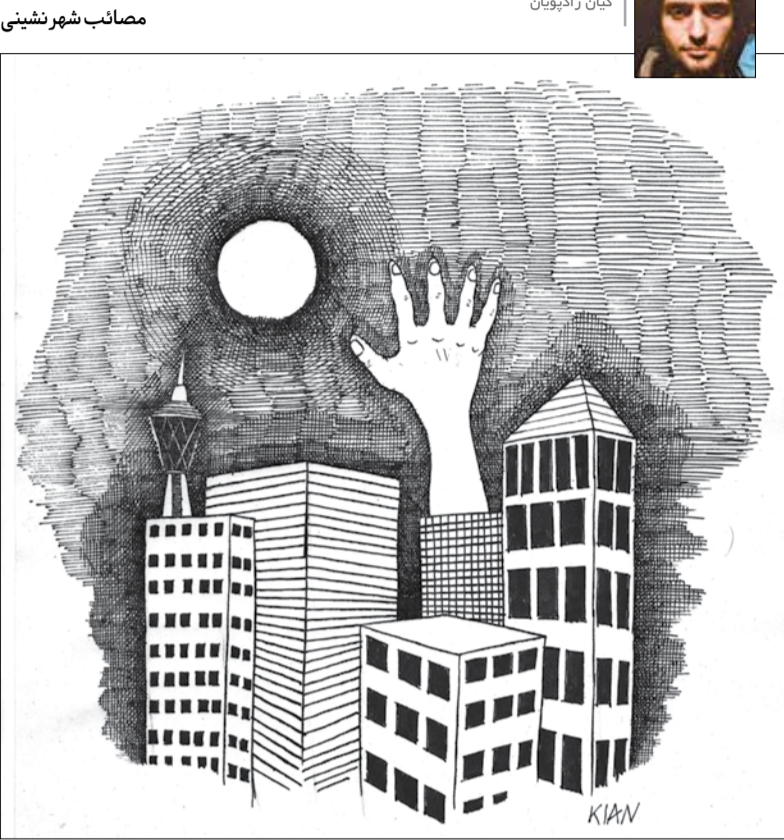
نهج البلاغه (صبحی صالح)، ص ۵۲۹

سخن روز

نگاره



کیان رادپویان



هنرمندان در فضای مجازی	
<p>جشنواره‌های فکری یکی کار خودشان را به سرانجام رساندند و هنرمندانی که در این جشنواره‌ها چه در بخش فیلم، چه تئاتر و چه موسیقی درخشیدند صفحات اینستاگرامی شان را اختصاص دادند به تبریک و تشکر و... بجز این موضوعات، هنرمندان در شبکه‌های مجازی به موضوعات مختلف دیگری هم واکنش نشان دادند که آنچه می خوانید بخشی از آن هاست.</p>	

چهره ها



کاظم هژیرآزاد، عضو پیشین هیأت مدیره مرکزی خانه تئاتر، در یادداشتی اینستاگرامی حضور فعال شورای هماهنگی را لحلال مشکلات درونی خانه تئاتر دانست و نوشت: «حق رای حق تک‌تک اعضای خانه تئاتر است. فراموش نباید کرد که داستان انتخابات خانه تئاتر چیز جدیدی نیست دوستانی در تمام دوره‌ها

به‌ویژه در آخرین دوره کمپین مهیجی ترتیب دادند و تلاش کردند در انتخاب هیأت مدیره خانه

افراد مورد ونوقشان انتخاب شوند که این موضوع امر عادی در هر انتخاباتی هست و در نهایت

توانستند تعدادی از همکاران جدید و گرمای را جایگزین اعضای قدیم کنند.»

هاناکامکار عکسی از بابک بزرویه عکاس منتشر کرده که این روزها در بستر بیماری ست و همه امید دارند که او به‌زودی از تخت بیمارستان خلاص شود.
کامکار نوشته: از ژرفای دل می‌خواهم بیدار شوی و باز با دیدن لبخند بی‌همتایت شاد شوم، باز مهربی دریغ و بی‌چشمداششت شامل حال انسان‌ها بشه، باز شوخی

کنی و من غش کنم از خنده، باز عکس‌های بی‌نظیر برای زمین بگیري... بابک بزرویه چه سفرت بلند بماند چه کوتاهش کنی، دوستت داریم و در تاریخ هنر ایران مانایی.»

امید نعمتی که در جشنواره موسیقی فجر دست پر به خانه رفت با پستی اینستاگرامی از همکاری دوستان اش برای تولید آلبومی که در نهایت جایزه برد نوشته و از آنها تشکر کرده است.
نعمتی نوشته: «جایزه بارید بهترین آهنگسازی و خوانندگی رسید به آلبوم نصف النهار مبدأ. ممنون از تک تک دوستانم که در این

آلبوم همکاری کردند. به امید آلبوم‌های بعدی و بالاخره کنسرت.»

بهرام رادان که به تازگی با سریال جدید حسن فتحی یعنی «جیران» پا به نمایش خانگی گذاشته با انتشار ویدیویی از بازی‌اش در این سریال، از انتشار قسمت دوم آن خبر داد و نوشت: «دیروز در حوالی تخریش، پادشاه شما عاشق شد. عاشقانه جیران، سریالی که نگاه مخاطب برایش ارزش دارد. قسمت دوم این سریال عاشقانه هم امروز منتشر شد و شما می‌توانید آن را هر جمعه، تماشا کنید.

نکته‌ها

بهتاش صناعی‌ها کارگردان فیلم «قصیده گاو سفید» که چند روزی‌ست در انتفاقی عجیب نسخه لو رفته‌اش روی شبکه‌های اجتماعی منشش شد در متنی در اینستاگرامش نوشته: «ممنونیم از همه شما که در طول این یک هفته با ما همدردی کردید و برای تماشای فیلم از ما اجازه گرفتید یا حتی درخواست شماره حساب کردید که به ما هزینه بپردازید. حضور ما در سینما هم برای کاسبی و انباشت سرمایه که برای یک عشق و شاید چند کلمه حرف حساب است. زین پس تماشای فیلم «قصیده گاو سفید» در ایران و به هر طریق ممکن برای همه بلامانع است. ببینید و اگر پرسندیدید تماشایش را به دیگران توصیه کنید.

چه خبر؟

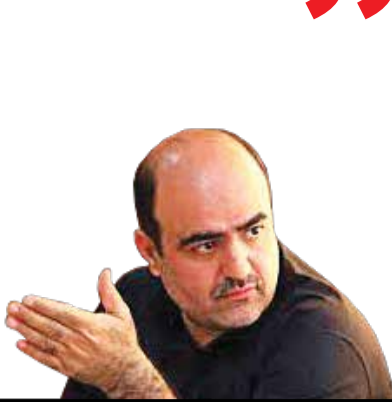
فرزاد مؤتمن در اینستاگرام خود خبر از موفقیت فیلم مستند «جمعه می بینمت، راینسون» ساخته میترا فراهانی را داده نوشته: «فیلم را ندیده‌ام، پس نظری هم درباره‌اش ندارم اما راستش به دلایلی چندان اشتیاقی به تماشای این فیلم نداشتم تا اینکه امروز دو آونوس از فیلم به دستم رسید که اولی بسیار امیدوارکننده بود و نوید مستندی جذاب را می‌داد، اما دومی تری‌دی‌هایی را به‌وجود آورد. عجالتاً در میان عکس‌هایی که از فیلم دیدم، سه تصویر نظرم را جلب کرد. دو عکس اول هنرمند ایرانی را در محل اقامتش نشان می‌دهد و سومی نمایی ست از فیلمساز سوئیسی در خانه.»

دنیای نثر

انتشارات کتاب‌های طوطی به بهانه روز جهانی تهنگ یکی از کتاب‌هایش با همین موضوع را در اینستاگرامش معرفی کرده و نوشته: «به سفر و ماجراجویی علاقه‌مندید؟ پس با والک و رؤیایش همراه شوید. تهنگ‌ها، عول‌های اقیانوس، موجودات باشکوه و زیبای هستند که ارزش بوم‌شناختی بالایی برای سیاره زمین دارند. متأسفانه امروزه اقیانوس‌ها که اندازه گذشته‌هاست پاک و سالم نیستند و جایی که همیشه مکانی دوست‌داشتنی برای زندگی تهنگ‌ها بود حالا آلوده به زباله‌های صنعتی و مواد شیمیایی شده است. تهنگ‌ها هم از آسیب‌های انسان‌ها به محیط زیست در امان نبوده و نیستند. روز جهانی تهنگ فرصتی است برای یادآوری بزرگ‌ترین حیوانات روی زمین و ارزش فراوان آن‌ها.»



انتشارات کتاب‌های طوطی به بهانه روز جهانی تهنگ یکی از کتاب‌هایش با همین موضوع را در اینستاگرامش معرفی کرده و نوشته: «به سفر و ماجراجویی علاقه‌مندید؟ پس با والک و رؤیایش همراه شوید. تهنگ‌ها، عول‌های اقیانوس، موجودات باشکوه و زیبای هستند که ارزش بوم‌شناختی بالایی برای سیاره زمین دارند. متأسفانه امروزه اقیانوس‌ها که اندازه گذشته‌هاست پاک و سالم نیستند و جایی که همیشه مکانی دوست‌داشتنی برای زندگی تهنگ‌ها بود حالا آلوده به زباله‌های صنعتی و مواد شیمیایی شده است. تهنگ‌ها هم از آسیب‌های انسان‌ها به محیط زیست در امان نبوده و نیستند. روز جهانی تهنگ فرصتی است برای یادآوری بزرگ‌ترین حیوانات روی زمین و ارزش فراوان آن‌ها.»



۲۱ فیلم پرمخاطب متقاضی ارکان نوروز

محمد رضا صابری / با مساعدت شورای صنفی نمایش و شرایطی که فراهم شده، سعی کرده‌ایم تا تهیه‌کنندگان به ارکان فیلم‌های خود راضی شوند. با اعلام شرایط موردنظر، ۲۱ فیلم برای ارکان نوروزی اعلام آمادگی کرده‌اند که هر کدام فیلم‌های قابل توجهی هستند. فیلم‌های بسیار خوبی که چه در جشنواره جهلم و چه در جشنواره سی‌ونهم بوده‌اند برای ارکان نوروزی اعلام آمادگی کرده‌اند که از این جمله می‌توان به فیلم‌هایی چون «روز صفر»، «علف‌زار»، «مرد بازنده»، «ملقات خصوصی» و «سگ بنده» اشاره کرد. با توجه به پیشنهادهایی که به شورا داده شده است، ارکان‌های نوروزی از ۱۷ اسفندماه آغاز می‌شود.

از صحبت‌های سخنگوی انجمن سینماداران با مهر

هفته گذشته اهالی کتاب شاهد درگذشت یکی دیگر از پیشکسوتان این عرصه بودند، محمدرحیم اخوت، نویسنده و مدرس داستان‌نویسی پیشکسوت کشورمان شنبه، بیست و سوم بهمن ماه در سن ۷۶سالگی با زندگی وداع گفت و در بهشت رضوان اصفهان در آغوش خاک آرام گرفت. وی از جمله نویسندگانی بود که طی سال‌ها نقش مهمی در آموزش چند نسل از نویسندگان جوان اصفهانی ایفا کرد. «خورشید»، «باقی‌مانده‌ها»، «داستان‌های نانوشت»، «نمی‌شود»، «مشکل آقای فطانت» و «عذاب یا هفت‌خان زندگی» از جمله کتاب‌هایی است که از زنده‌یاد اخوت به یادگار مانده است.

به یاد زنده‌یاد «محمدرحیم اخوت»، نویسنده، پژوهشگر و مدرس داستان‌نویسی

تکیه‌گاهی برای جوانان اصفهانی

شاید زنده‌یاد «محمدرحیم اخوت» را بیش از همه به کتاب «تعلیق» او بشناسیم، با این حال، این تنها نوشته ماندگاری نیست که از این نویسنده، پژوهشگر و مدرس اصفهانی به یادگار مانده است. او طی سال‌ها فعالیت ادبی دست به خلق و انتشار آثار متعددی زد که هر یک در زمان انتشارشان بسیار مورد توجه دیگر اهالی ادبیات و علاقه‌مندان این عرصه قرار گرفتند. زنده یاد اخوت در سال‌های نخست ورود به عرصه فرهنگ و ادب به‌عنوان بازیگر در اجرای چند نمایش حضور داشت. بعد از اتمام دوره سربازی، وی به مرکز تلویزیون اصفهان دعوت شد و نویسنده‌گی، بازی و کارگردانی چند کار را انجام داد که بیشتر جنبه تجربه‌گرایانه داشتند. نکته قابل توجه درباره زنده‌یاد اخوت توجه ویژه‌ای است که او به بحث هنر متعهد داشت و همواره پیروان هنر برای هنر را نقد می‌کرد. اخوت در مسیر زندگی حرفه‌ای خود تحت تأثیر ابوالحسن نجفی و جلیل دوست‌خواه، از آخرین اعضای جُنگ ادبی اصفهان بود. نخستین اثر داستانی خود را با عنوان «تعلیق» در سال ۱۳۶۸ نوشت، زمانی که ۲۴ ساله بود و تردید زیادی در منتشر کردن اثر خود داشت، بویژه که یکی از دوستان نویسنده‌اش تأکید داشت «تعلیق» بسیار تحت تأثیر «شارده احتجاب» هوشنگ گلشیری است. همین مسأله سبب شد که از انتشار آن صرف‌نظر کند و حتی در صدد برآمد که نویسنده‌گی را رها کند. چند سال گذشت و احمدمیرعلی‌ای وقتی تعلیق را خواند به اخوت تأکید کرد این یک شاهکار ادبی است و هیچ ربطی هم به نوشته گلشیری ندارد.

کتاب سال ۷۸ منتشر شد، آن هم در ۵۴ سالگی اخوت و بسیار هم مورد توجه اهالی ادبیات قرار گرفت. از آن سال به بعد اخوت کتاب‌های دیگری هم نوشت، هرچند که برای «نامه سردری»، آخرین کتابش نزدیک پانزده سال صبر کرد تا در نهایت موفق به انتشار آن شد؛ شاید اگر نوشته‌های استاد اخوت به موقع منتشر

شاهکار ادبی است و هیچ ربطی هم به نوشته گلشیری ندارد. کتاب سال ۷۸ منتشر شد، آن هم در ۵۴ سالگی اخوت و بسیار هم مورد توجه اهالی ادبیات قرار گرفت. از آن سال به بعد اخوت کتاب‌های دیگری هم نوشت، هرچند که برای «نامه سردری»، آخرین کتابش نزدیک پانزده سال صبر کرد تا در نهایت موفق به انتشار آن شد؛ شاید اگر نوشته‌های استاد اخوت به موقع منتشر

بازاندیشی در کارکردهای طنز برای جامعه‌ایران

اول اسفندماه زادروز عمران صلاحی شاعر و طنزپرداز است؛ کسی که از خود آثار متعددی در حوزه طنز و جدی برجای گذاشته است. هم در آثار او و هم در آثار طنزپردازان گذشته، ایجاد تمایز میان گونه‌های مختلف طنز برجسته بوده است که نشان از عالمانه بودن مواجهه با طنز و انصاف آنها به اصول علمی دارد. با وجود کارهای جدی که در فهرست آثار صلاحی وجود دارد، همچنان نام او از طنز جدا نیست و قبل از هر چیز باید او را طنزپردازی اجتماعی به حساب آورد. کسی که از کنار اتفاقات ساده زمانه خود بی تفاوت نگذشت و از جزئی‌ترین مضامین برای آفرینش موقعیت‌های طنز استفاده می‌کرد. شناخت طنز صلاحی بدون شناخت نگاه وی به مقوله طنز ممکن نیست، او معتقد بود که در یک اجتماع سیاست زده این طنز است که تبدیل به سلاح می‌شود و می‌تواند جدی‌ترین حرف‌ها را با زبانی عیان و گزنده بزند. از دید صلاحی هر قدر که در جامعه‌ای تضادها و تناقض‌ها بیشتر باشند، فرصت‌ها برای خنده بر آنها نیز بیشتر خواهد بود. این موضوع نیز در جامعه امروز ایران همچنان به چشم می‌خورد و تضادها و تناقض‌ها در حوزه‌هایی از جمله فرهنگ، سیاست و جامعه آن قدر پررنگ هستند که گاه در چرخش روزگار، مطالب جدی، دیگر باره شکل طنز به خود می‌گیرند. این چرخش گاه آن قدر شدید و عجیب است که حتی آن دسته از آثار هنری که زمانی در گذشته در قالب طنز ساخته شده‌اند، حال خود به واقعیت پیوسته‌اند و در حقیقت، آنچه مخاطبان در زندگی روزمره خود مشاهده می‌کنند، طنزهایی هستند که قبلاً ساخته یا کشف شده‌اند، اما این بار به شکل جدی در حال وقوع و هراسند. اما پرسش قابل طرح آن است که بر مبنای تعریف صلاحی از طنز، آنچه امروز به‌عنوان طنز توسط برخی با عنوان طنزپرداز ساخته می‌شود، تا چه اندازه از ویژگی‌های طنز درست برخوردار بوده است؟ اگر مخاطب امروز نیاز به خندیدن دارد، این نیاز تا چه اندازه بدرستی شناخته شده است؟ آیا نیاز به خندیدن، همان نیاز به فقهی‌ه زدن است؟ آیا خنده، صرفاً رفتاری است فیزیکی که سر می‌زند یا مجموعه‌ای از مناسبات در پشت آن وجود دارد که باعث رقم خوردن آن به‌عنوان یک نتیجه رفتاری می‌شود؟ آنچه در طنز اجتماعی از آن با عنوان زندگی یا تلخی یاد می‌شود، تا چه اندازه در طنزهایی که امروز ساخته می‌شوند، موضوعیت دارد؟ آیا نیاز به خندیدن همان نیاز به دیدن لوذگی است؟ صلاحی وظیفه طنزنویس را عریان‌سازی واقعیت می‌داند و طنز درست از طنزی به حساب می‌آورد که ابهت سوژه را از بین ببرد و زشتی و خالی بودن آن را رسوا کند. از دید او نه فقط در اجتماع سیاست زده که رسالت کلی طنز هم جز این نیست. اما تا چه اندازه از طنزهایی که در حال حاضر ساخته می‌شوند، به موضوع پوشالی بودن ابهت سوژه توجه دارند؟ (اگر که خود به همین ابهت پوشالی گرفتار نباشند) به نظر می‌رسد با وجود افزایش قابل توجه زمینه‌های تولید آثار طنز و شمار زیاد طرفداران این آثار، کیفیت آثار تولیدی

در این زمینه تا اندازه زیادی قابل نقد است و مبنای این مدعا، آثاری هستند که تحت عنوان طنز، در قالب‌های مختلف تولید شده و در بسترهای گوناگون نمایش داده می‌شوند. موضوع مهم دیگر، رسالت آثار طنز است که چندان در جامعه ما مشخص نیست و درباره آن نظریه‌های قابل توجهی ارائه نشده است. آیا جامعه در شرایط کنونی و در میان شماری از مشکلات، به طنزی نیاز دارد که مشکلات را از یاد وی ببرد؟ یا طنزی می‌خواهد که در سختی‌ها با وی همراهی کند؟ آیا در شرایط دشوار اجتماعی، طنز باید حکم مخدر را داشته باشد یا منبعی آگاهی بخش و جریان‌ساز به حساب آید؟ هر کدام از این حالات ممکن است بسته به شرایط اجتماعی دارای ارزش باشند و نمی‌توان به خودی خود برخی را درست و برخی را نادرست دانست. وضعیت اجتماعی ایران پویا است و نمی‌توان با طنز به همان شیوه ده‌های پیشین مواجه شد. به نظر می‌رسد وجه تمایز طنزپردازان امروز با طنزپردازان گذشته مواضع آنها نسبت به این پرسش‌ها و پاسخ‌های متفاوتشان باشد. براساتی طنزپردازان امروز تا چه اندازه قبل از ارائه اثر، به این پرسش‌ها فکر می‌کنند؟



محسن اردشیر که نمایش «خانه سیاه است»

محسن اردشیر که نمایش «خانه سیاه است»

محسن اردشیر که نمایش «خانه سیاه است»

محسن اردشیر که نمایش «خانه سیاه است»

یکبار دیگر خانه سیاه است

محسن اردشیر که نمایش «خانه سیاه است»

محسن اردشیر که نمایش «خانه سیاه است»

محسن اردشیر که نمایش «خانه سیاه است»

محسن اردشیر که نمایش «خانه سیاه است»

محسن اردشیر که نمایش «خانه سیاه است»

محسن اردشیر که نمایش «خانه سیاه است»



از لطف تو سهل است کرم ورزیدن چشم از گنه بی‌گناه پوشیدن دعوی بکنم که بی‌گناهم اما دارم گنهی که می‌توان بخشیدن

محتشم کاشانی

یک فجنان چای



آزاده سهرابی

روانشناس

می‌گفت: احساس می‌کنم کنترل همه چیز را در زندگی از دست داده‌ام. در محیط کارم حقم را می‌خورند و نمی‌توانم کاری کنم و در زندگی شخصی هم احساس می‌کنم خانواده‌ام درکم نمی‌کنند. عموماً با هر کاری که می‌خواهم شروع کنم مخالفت می‌کنند. خسته شده‌ام ایقدر تلاش کرده‌ام و همیشه شکست خورده‌ام.

احساس سرخوردگی می‌کنم.

می‌توانست تا صبح از افکاری گویند که گویی سال‌هاست بدون تغییر مانده‌اند. مثل یک نشخوار فکری همیشه این افکار را با خود حمل می‌کند و حالا مدتی است کارگردش دچار افت شده است؛ اما نکته جالب این است که اگر در ابتدا قرار باشد به درست بودن و واقعی بودن چنین قضایوت‌های ذهنی‌اش از یک تا ... ۱۰ نفر بدهد، می‌گوید ۸ یا ۹ ما وقتی از او بخواهی در ذهنش مرور کند و مثال‌های تقضی از آنچه به آن درباره خود و شرایطش باور دارد بیان کند می‌تواند مثلاً تمام زندگی توانسته در آمدش را در حدی نگه دارد که از پس هزینه‌هایش بربیاید، اشاره کند. و بعد از یادآوری اینها حالا به آن افکار قبلی و باورهایی که درباره خود و زندگی‌اش دارد، مثلاً نفر ۴ یا ۵ یا بدهد.

چه چیزی باعث می‌شود افراد دچار سوگیری‌های شناختی و تحریف واقعیت یا سوء تعبیر یا توجه انتخابی شوند؟

کسانی که در مسیر شناخت و نحوه تفکر انسان مداخله داشته‌اند، می‌گویند که احساسات و رفتار انسان بسیار تحت تأثیر شیوه تفکر او و پردازش اطلاعاتش است. به عبارتی هر طور فکر کنی، احساس می‌کنی و آن طور که فکر و احساس کنی، رفتار می‌کنی. در واقع شناخت‌ها چه میزان رفتار ناکارآمدتری ما را تعریف می‌کنند سؤال بسیار کارآمدی برای زندگی روزمره است. این در حالی است که خود این واقعیت که رفتارهای مشکل‌دار و هیجانات منفی هم باعث ایجاد شناخت‌های ناکارآمدتری می‌شود نیز از این دایره خارج نیست. وقتی یکی از اطرافیان تان افسرده شده است حتماً متوجه شده‌اید که چه میزان حرف‌هایش متفاوت است و گوئی دنیا را از دریچه دیگری می‌بیند. این دریچه دیگر چیزی نیست جز توجه انتخابی که آن تغییر خلق برای شناختش ایجاد کرده است. حالا او از میان انبوه اتفاق‌های اطرافش تنها به آنهایی توجه می‌کند که خلق افسرده‌اش را تأیید کند.

هیجان‌های منفی‌اش مدام از حافظه‌اش خاطراتی را بازخوانی می‌کند که بیش از این در چنین بازه هیجانی داشته است و همین باعث می‌شود بیشتر در افکار منفی و پیامدهایش فرورود در حالی که این فقط یک دریچه نگاه نسبتاً تحمیلی است!

آلبرت آلیس یکی از پرچمداران درمان شناختی معتقد است که «انسان فکر می‌کند و علاوه بر آن به فکرهايش هم فکر می‌کند و در عین حال به نحوه فکرش نیز فکر می‌کند.»

شناخت درمانگرها بر همین اساس می‌تواند

راه درمانی پیشنهاد دهد که فرد بتواند جلو رانش را باز کند و همین باعث می‌شود بیشتر قصدمندانه‌ای فکر کنند و در راستای سازگاری و کارآمدی، متوجه تحریف‌های شناختی خود شوند و از دام آنها بیرون بیایند.

شناخت درمانی برای نخستین بار برای درمان افسردگی مطرح شد چون بیشترین تحریف‌های شناختی و افکار خودآیند منفی در این بیماران دیده می‌شود. همان دریچه تحمیلی که هیجان و خلق منفی تحمیل می‌کند. در روزهای بعد مشخص‌تر درباره خطاهای شناختی صحبت خواهیم کرد.

عکس نوشت

یکی ازجاذبه‌های طبیعی و تماشایی استان فارس دریاچه مهارلوست که به‌عنوان دریاچه صورتی نیز شناخته می‌شود. علت صورتی و قرمز بودن آن دریاچه، رشد نوعی جلبک در آب آن است. خبزرگاری صدا و سیما گزارش تصویری از این دریاچه کرده است که با بارش‌های اخیر احیا شده، منتشر کرده است.

